گفت‌وگو با جانشین فرمانده نیروی قدس سپاه

مجاهدت فاطمیون از عوامل اصلی شکست تروریسم در منطقه بود

شهید علیرضا توسلی (ابوحامد) اولین فرمانده لشکر سرافراز فاطمیون است. کتاب «خاتون و قوماندان» روایت زندگی همسر شهید علیرضا توسلی است که رهبر انقلاب در تقریظ بر این کتاب حرکت جهادی فاطمیون را افتخاری برای آنها و همه افغان‌ها دانستند.

رسانه KHAMENEI.IR به مناسبت انتشار تقریظ رهبر انقلاب بر این کتاب، در گفت‌وگو با سردار محمدرضا فلاح‌زاده، جانشین فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و از فرماندهان باسابقه محور مقاومت نگاهی به مجاهدت‌های سردار علیرضا توسلی و رزمندگان لشکر فاطمیون داشته است. سردار فلاح‌زاده از کسانی است که در سال‌های گذشته به‌دلیل حضور در سوریه با شهید توسلی و دیگر رزمندگان و فرماندهان فاطمیون ارتباط مستقیم داشته است.

برای شروع گفت‌وگو شاید بهتر باشد که به سابقه تیپ فاطمیون بپردازیم. فکر تشکیل تیپ فاطمیون از کجا و چگونه شکل گرفت؟

همزمان با آغاز ناآرامی‌ها در سوریه و عراق، نیروهای تروریست چندملیتی از کشورهای مختلف در این سرزمین‌ها گرد آمدند و هدف‌شان وهن اسلام، توهین به مقدسات شیعه و سنی و در نهایت هتک حرمت اماکن مقدس در این کشورها و بلاد اسلامی بود.

با هدایت و رهبری حکیمانه رهبر انقلاب اسلامی شاهد آن بودیم که آزادمردانی در سراسر ممالک اسلامی آماده می‌شدند تا برای دفاع از اسلام ناب محمدی، دفاع از حقوق انسان‌ها و دفاع از حرم‌های شریف آل‌الله وارد میدان شوند. افغانستانی‌ها هم بخشی از همین خروش بین‌المللی بودند.

ده‌ها هزار افغانستانی از سال‌های دور به شامات رفته و مهاجر شده و در آنجا مشغول کار و زندگی بودند. با آغاز درگیری‌ها در سوریه با تدبیر و تصمیم سپهبد حاج قاسم سلیمانی در قالب نیروهای بسیج مردمی حلقه اول دفاع از حرم حضرت زینب سلام‌الله‌علیها را تشکیل دادند. کم‌کم افغانستانی‌های عزیز مقیم ایران و بخشی از افغانستانی‌ها از داخل افغانستان نیز به صورت داوطلب و با آگاهی از شرایط بین‌المللی به وجود آمده در سوریه وارد میدان شدند و حلقه اولیه تشکیل فاطمیون این‌گونه بنا نهاده شد.

جمهوری اسلامی ایران هم که به صورت مستشاری در میدان حضور داشت و نقش مشاوره‌ای و پشتیبانی از نیروهای مدافع حریم انسانیت را برعهده داشت، در مقابل نیروهای افغانستانی فاطمیون نیز همین نقش را ایفا کرد و برخی مشکلات این عزیزان را حل نمود.

با پیشروی نبردها در سوریه، عیان شدن دست آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها و از سوی دیگر نگاه انسانی، مذهبی و مردانه افغانستانی‌ها، شاهد آن بودیم که بر تعداد رزمندگان افغانستانی‌ای که برای حضور در میادین نبرد حق علیه باطل در سوریه اعلام آمادگی می‌کردند افزوده شد و کم‌کم این تشکیلات به نیرویی چندهزار نفری تبدیل شد که برکات آن نه تنها برای مردم سوریه، بلکه برای تمام مردم منطقه و جهان بود. بدون شک یکی از عوامل اصلی شکست تروریسم بین‌المللی داعش در منطقه و سوریه همین نیروهای افغانستانی فاطمیون بودند.

بارها شاهد بودیم که شهید حاج قاسم سلیمانی به‌عنوان فرمانده میدانی محور مقاومت نسبت به نیروهای فاطمیون علاقه و محبت زیادی از خود ابراز می‌کرد. درباره این علقه و محبت ایشان به نیروهای فاطمیون صحبت کنید.

شاید در ابتدا این تصور وجود داشت که حضور تعدادی از برادران افغانستانی در میدان سوریه، تنها یک دلگرمی برای دیگر رزمندگان خواهد بود و از سوی برخی نگاه راهبردی به حضور آنها وجود نداشت. اما در همان چند هفته اول با حضور این عزیزان در میدان نبرد ورق برگشت. پیروزی‌های متعدد در میادین مختلف و سخت با سخت‌کوشی و قناعت، شجاعت و دلاورمردی، تیزهوشی و قدرت یادگیری تخصصات نظامی باعث شد که نیروهای افغانستانی فاطمیون به یکی از بازوهای اصلی محور و جریان مقاومت تبدیل شوند.

شهید حاج قاسم سلیمانی به عنوان فرمانده میدانی محور مقاومت نگاه ویژه‌ای به عزیزان فاطمیون داشتند. این عزیزان هم خیلی زود در مدار فرماندهی محور مقاومت قرار گرفته و به یکی از بازوهای اصلی مشورتی و عملیاتی شهید سلیمانی تبدیل شدند. حاج قاسم در طراحی اکثر عملیات‌ها در میدان مقاومت، فرماندهان فاطمیون را دخیل می‌کرد و از توان و قدرت این نیروی جدید محور مقاومت بهره می‌جست. به لحاظ معنوی نیز ایشان دلبستگی عجیبی به فرماندهان و نیروهای افغانستانی پیدا کرده و در زمان حضورشان در میدان حتما زمان ویژه‌ای را به سرکشی و ملاقات با رزمندگان فاطمیون اختصاص می‌دادند.

این نکته هم نباید فراموش شود که شهید سلیمانی شخصاً موضوعات مربوط به فاطمیون، چه در میدان و چه در عقبه را پیگیری می‌کردند و با حساسیت به دنبال رفع مشکلات این عزیزان بودند. پس از شهادت حاج قاسم نیز سردار قآنی با ادامه همان راه، عنایت و محبت خاصی به فاطمیون دارند.

رزمندگان فاطمیون در محور مقاومت در چه نبردها و عملیاتهای شاخصی در سوریه و عراق حضور داشته‌اند؟

امروز مجاهدین فاطمیون یکی از اعضا و جریانات اصیل و اصلی محور مقاومت هستند که مایه دلگرمی و پشتیبانی برای سایر گروه‌ها و نیروهای مقاومت در منطقه شده‌اند. نام بردن از تعداد عملیات‌هایی که فاطمیون در آنها حضور داشته‌اند حتما خارج از حوصله این بحث است؛ از غوطه شرقی و غربی تا فروسیه، ملیحه و تل‌قرین، بصری و سهل الغاب، حماه، حلب، تدمر، دیرالزور، المیادین، بادیةالشام و تا عملیات ابوکمال و نابودی حکومت داعش و غلبه و پیروزی بر آمریکا و رژیم صهیونیستی ناظر عملیات‌های موفق فاطمیون بوده است.

بهتر است بگوییم فاطمیون یکی از اساسی‌ترین نیروهای شکست‌دهنده تروریسم بین‌الملل در عراق و سوریه بوده است. این رزمندگان و مجاهدان سرافراز فاطمیون در این جهاد مقدس یعنی دفاع از حرم و اسلام شرکت کردند و شهیدان با نام و گمنامی تقدیم اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نمودند و سردار دلاور و فرمانده عالی مقام شهید ابوحامد و یاران باوفایش و فرماندهان و سرداران شهید فاتح، سید حکیم، رئوف خاوری، ذوالفقاری، شیخ رضائی، سجادی و سید جعفر که نقش اساسی در طراحی و برنامه‌ریزی بر عهده داشتند و پابه‌پای رزمندگان فاطمیون در عملیات‌های هجومی علیه دشمنان خدا شرکت نمودند و در راه دفاع از اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بشریت و دفاع از حرم اهل البیت پیامبر علیهم‌السلام جان خود را نثار کردند.

دلدادگی افغانستانی‌ها به اسلام و حقیقت محدود به حضورشان در میدان دفاع از حرم نیست و این عزیزان در دوران دفاع مقدس هم نشان دادند که هر جا لازم باشد برای دفاع از اسلام وارد میدان خواهند شد. این روحیه ریشه در کدام‌یک از ویژگی‌های این مردمان دارد؟

مردم افغانستان ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی دارند که آنها را به مردمی مقاوم تبدیل کرده است. این مقاومت به معنای واقعی مقاومت اسلامی است؛ ایستادگی در برابر ابرقدرت‌ها در افغانستان خصوصاً مبارزه با آمریکا نشان از روحیه مقاوم، ضد اشغال و ضدتروریسم افغانستانی‌ها دارد. آنچه در دفاع مقدس و در سوریه نیز توسط افغانستانی‌ها شکل گرفته اتمام همان روحیه در فرای مرزهای افغانستان است. بی‌شک آنچه در اخراج اشغالگران از افغانستان روی داده و آنچه از حضور افغانستانی‌ها در دفاع مقدس ایران و ماجراهای مبارزه با تروریسم در سوریه و عراق می‌بینیم یک نقطه هدف واحد دارد و آن‌نقطه دفاع از اسلام و دفاع از مرزهای اسلام ناب است و در این ماجرا تفاوتی میان اقوام افغانستانی نیست.

سابقه آشنایی شما با شهید توسلی (ابوحامد) اولین فرمانده فاطمیون به چه زمانی بر می‌گردد و ایشان چه ویژگی‌های شخصیتی برجسته‌ای داشتند؟

نخستین برخوردم با شهید توسلی عزیز در سوریه و بحبوحه نبردهای شدید آن روزها بود. ایشان فرماندهی میدانی فاطمیون را برعهده داشتند و به همین خاطر دیدارها و جلسات متعدد و مشترک زیادی بین ما برقرار می‌شد که کم‌کم ما را به برادرانی هم‌زبان در آن سوی مرز تبدیل کرده بود. همین موضوع عمق رفاقت و برادریمان را بیشتر کرد و تا آخرین لحظات شهادت این سردار دلاور و پر افتخار اسلام و سردار شهید فاتح، شاهد مقاومت و شجاعت بی‌نظیر این شهیدان عزیز و رزمندگان فاطمیون در تل قرین بودیم که تک و هجوم سنگین دشمن را دفع کردند و در این مصاف آسمانی شدند. اگر بخواهم صفات برجسته ایشان را برشمارم باید ساعت‌ها صحبت کنیم.

اما به اختصار بگویم که شهید توسلی یک مسلمان واقعی و با حساسیت جدی بر مسائل حلال و حرام و بیت‌المال بود. شخصیتی فکور، شجاع، طراح و عملیاتی داشت ولی در عین حال قناعت یکی از ویژگی‌های اصلی شهید توسلی بود و همین موضوع باعث می‌شد در میدانی که نیروهای تحت امر او عملیات می‌کردند شاهد کمترین هزینه و تلفات مادی باشیم.

شهید ابوحامد به شدت روی تک‌تک نیروهایش حساس بود و به نوعی نقش پدرگونه برای نیروهای فاطمیون داشت. در اوج نبردهای نظامی به دنبال حل مشکلات نیروهایش بود و از جان و مال و آبرویش برای حفظ نیروهایش مایه می‌گذاشت و عزیز فاطمیون بود.

در طول سال‌هایی که از تأسیس فاطمیون می‌گذرد، خانواده شهدای این لشکر با رهبر انقلاب دیدارهایی داشته‌اند. چه نکاتی از این دیدارها در خاطرتان هست؟

بنده توفیق حضور در این دیدارها را نداشته‌ام اما آنچه از دوستان حاضر در این دیدارها شنیده‌ام این است که رهبر انقلاب هر سال به جز ایام کرونا در هنگام سفر به مشهد مقدس وقت ویژه‌ای را به دیدار با خانواده شهدای فاطمیون اختصاص می‌دهند. این‌خود نشان از عنایت ویژه ایشان به عزیزان فاطمیون است. این دیدارها یک دلگرمی بزرگ برای خانواده‌های عزیز فاطمیون است. اینکه رهبر انقلاب از نزدیک مسائل آنها را دنبال می‌کنند و یکی از دغدغه‌هایشان مسائل این عزیزان است یک نقطه قوت و پشتیبانی برای رزمندگان فاطمیون است که با انگیزه مضاعف برای نبرد نهایی یعنی محو رژیم صهیونیستی از صفحه روزگار در میدان حضور داشته باشند.

مردم عزیز ایران اسلامی و دیگر مسلمانان جهان خوب می‌دانند که فاطمیون از آسایش و زندگی و جان شیرین خود برای دفاع از اسلام، مسلمانان، شیعیان و مردم ایران اسلامی و کشورهای منطقه گذشتند، حال بر ماست که آنها را مورد تکریم و احترام قرار دهیم و به این همه جهاد و تلاش آنها افتخار کنیم.

شهید توسلی یک مسلمان واقعی و با حساسیت جدی بر مسائل حلال و حرام و بیت‌المال بود. شخصیتی فکور، شجاع، طراح و عملیاتی داشت ولی در عین حال قناعت یکی از ویژگی‌های اصلی شهید توسلی بود و همین موضوع باعث می‌شد، در میدانی که نیروهای تحت امر او عملیات می‌کردند شاهد کمترین هزینه و تلفات مادی باشیم. شهید ابوحامد به شدت روی تک‌تک نیروهایش حساس بود و به نوعی نقش پدرگونه برای نیروهای فاطمیون داشت. در اوج نبردهای نظامی به دنبال حل مشکلات نیروهایش بود و از جان و مال و آبرویش برای حفظ نیروهایش مایه می‌گذاشت و عزیز فاطمیون بود.

فاطمیون یکی از اساسی‌ترین نیروهای شکست‌دهنده تروریسم بین‌الملل در عراق و سوریه بوده است. این رزمندگان و مجاهدان سرافراز فاطمیون در این جهاد مقدس یعنی دفاع از حرم و اسلام شرکت کردند و شهیدان با نام و گمنامی تقدیم اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نمودند و سردار دلاور و فرمانده عالی‌مقام شهید ابوحامد و یاران باوفایش و فرماندهان و سرداران شهید فاتح، سید حکیم، رئوف خاوری، ذوالفقاری، شیخ رضائی، سجادی و سید جعفر که نقش اساسی در طراحی و برنامه‌ریزی بر عهده داشتند و پابه‌پای رزمندگان فاطمیون در عملیات‌های هجومی علیه دشمنان خدا شرکت نمودند و در راه دفاع از اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بشریت و دفاع از حرم اهل البیت پیامبر علیهم‌السلام جان خود را نثار کردند.

گفت‌وگو با وزیر امور خارجه

سیاست خارجی متوازن و دیپلماسی فعال اقتصادی اولویت‌های دستگاه دیپلماسی

رهبر انقلاب در دیدار اخیر مسئولان وزارت امور خارجه و سفیران جمهوری اسلامی ایران با اشاره به تحولات نظم نوین جهانی، سیاست تقویت ارتباط با همسایگان را یک سیاست درست دانستند و تأکید کردند: «امروز کشورهای بزرگ و مهمی در بعضی از خطوط اساسی سیاست بین‌المللی با ما همراه و هم‌فکرند؛ این سابقه ندارد و یک پدیده است. این را باید ما قدر بدانیم و با این کشورهایی که با ما در جریانات اساسی بین‌المللی همراهی دارند ارتباطاتمان را تقویت کنیم... در سیاست خارجی، ارتباط با «همسایگان»، ارتباط با «هم‌جهتان و همراهان» و ارتباط با «کشورهای اسلامی»، ولو کشورهای دوردست، هم خیلی مهم و هم لازم است.» ۱۴۰۲/۰۲/۳۰

رسانه KHAMENEI.IR به همین مناسبت در گفت‌وگو با دکتر حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، به بررسی اولویت‌های دستگاه دیپلماسی در تحولات نظم نوین جهانی و راهبردهای تقویت ارتباط با کشورهای همسایه، هم‌جهت و مسلمان پرداخته است.

سیاست خارجی به تعبیر رهبر انقلاب یکی از ارکان اداره کشور است. ایشان در دیدار اخیر ضابطه‌ها و الزامات یک سیاست خارجی خوب و دستگاه دیپلماسی کارآمد را برشمردند. دستگاه دیپلماسی برای تحقق این کارآمدی چه برنامه‌هایی دارد؟

همان‌طور که بنده در محضر رهبر انقلاب و در جمع سفرا عرض کردم، این دیدار انصافاً برای ما یک فرصت بسیار مغتنمی بود. اجازه بدهید ابتدا ارزیابی‌ام از دیدار را بگویم.

رهبر انقلاب نکاتی را مطرح کردند که بازتعریف وظایف دستگاه دیپلماسی و رویکرد نوین در سیاست خارجی است. در نگاه اول باید بگویم که ما در گام دوم انقلاب اسلامی نیاز داریم که با تمرکز ویژه نگاهمان به تحولات جهانی را بازتعریف بکنیم و نقش دستگاه دیپلماسی را متناسب با اهداف مطرح شده در گام دوم انقلاب اسلامی تعریف کنیم. این دیدار به خوبی فرصتی را برای ما فراهم کرد تا بر سیاست‌های بازتعریف شده، نوین و موضوعاتی که به تحولات ریشه‌ای در نظم جهانی توجه دارد متمرکز شویم. رهبر انقلاب مفاهیم عزّت، حکمت و مصلحت را خیلی شفاف و روشن، متناسب با وضعیت تحولی که در نظام بین‌الملل فراروی ما قرار دارد تبیین کردند. ما قبل از این دیدار در وزارت امور خارجه بحثی داشتیم که سه اصل عزّت، حکمت و مصلحت را در گام دوم انقلاب و در فضای نوین جهانی چگونه مورد تعریف و نگرش قرار بدهیم. در بخشی از گزارشم در دیدار، برنامه وزارت خارجه برای این سه اصل را این‌گونه طرح کردم: پایبندی به اصول بر مبنای اصل عزّت در سیاست خارجی، تنوع در راهبرد با توجه به سرعت و شیب تند تحولات بر مبنای اصل حکمت و هوشمندی در دیپلماسی بر مبنای مصلحت. رهبر انقلاب در بیانات‌شان هر یک از این سه اصل را در گام‌هایی بسیار روشن‌تر و دقیق‌تر تفسیر و تبیین کردند و همه فرمایشات ایشان چراغ راه ما است. ما در وزارت امور خارجه با تشکیل کارگروهی ویژه، بازتعریف اقدامات دستگاه دیپلماسی در گام دوم انقلاب و در فضای جدید متأثر از تحولات نظام جهانی را مورد توجه قرار داده‌ایم. این کارگروه با توجه به تحولات و براساس بیانات رهبر انقلاب برنامه‌هایی را استخراج می‌کند و بر مبنای آن ما در حوزه برنامه‌ریزی، اجرا و پیگیری برنامه‌ها عمل خواهیم کرد.

این کارگروه‌ها برای ارزیابی و رصد تحولات جهانی و برنامه‌ریزی در این زمینه چه تدابیر ویژه‌ای دارند؟

در مرکز مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه در دولت جدید کارگروه‌های مطالعاتی را فعال‌تر و مأموریت‌هایشان را بازتعریف کردیم. این کارگروه‌ها علاوه‌بر برگزاری جلساتی با حضور سفرا، کارشناسان و دیپلمات‌های ما از نیروهای دیپلمات بازنشسته وزارت امور خارجه که دارای دانش و تجربه بالایی هستند هم دعوت می‌کند.

علاوه‌بر این سازوکار از ابتدای دولت جدید جمعی از اساتید برجسته دانشگاه‌ها - که همه استاد تمام هستند- به همراه تعدادی از همکاران ما یک شورای اندیشه‌ورز سیاست خارجی تشکیل داده‌اند. رهبر انقلاب ماه‌ها پیش از این و همچنین در دیدار رمضانی مسئولان نظام بر تحولات نظم‌نوین جهانی تأکید و از دستگاه دیپلماسی مطالبه کردند که بایستی با ابتکارات و تحرک بیشتر در این زمینه گام بردارد. بر همین اساس به این کارگروه‌های مطالعاتی و شورای‌اندیشه‌ورز مأموریت‌هایی دادیم. با توجه به بیانات رهبر انقلاب در دیدار یک فرصت جدیدی مجددا فراهم شد که آن برنامه‌ها را به روزرسانی بکنیم. البته رهبر انقلاب همواره در دیدارهایی که توفیق داشته‌ایم خدمتشان باشیم تأکید دارند که پیگیری و به نتیجه رساندن این برنامه‌ها مهم‌تر از هر کار و اقدام دیگری است. از همین جهت نیز همه همکاران من در مراکز و نمایندگی‌های خارجی بر این موضوع تمرکز دارند. یکی از موضوعات در دستور کار در گردهمایی اخیر سفرا، آماده شدن همکاران و به‌کارگیری روش‌هایی برای پیگیری و عملیاتی شدن همین برنامه‌ها مبتنی بر نیاز کشور بود. ما در حوزه سیاست خارجی برای بهبود شرایط اقتصادی مردم، بهبود و توسعه تجارت خارجی و ارزآوری کشور در حوزه دیپلماسی اقتصادی به موازات دیپلماسی فرهنگی، علمی، آموزشی و پارلمانی خود را ملزم می‌دانیم که از همه ظرفیت‌ها بهره بگیریم.

سیاست «ارتباط با همسایگان»، «کشورهای هم جهت» و «کشورهای اسلامی» از موضوعات مورد تأکید رهبر انقلاب در دیدار بود، سیاستی که در دوره جدید هم در دستور کار دستگاه سیاست خارجی قرار دارد. با توجه به همراهی و هم‌جهتی برخی کشورهای بزرگ و مهم دنیا با جمهوری اسلامی ایران، این راهبرد چه فرصتهایی را برای کشور فراهم می‌کند؟

دکترین سیاست خارجی دولت سیزدهم مبتنی است بر سیاست خارجی متوازن، دیپلماسی پویا و تعامل هوشمند. ما وقتی می‌گوییم تعامل، یعنی تعامل با همه بخشهای جهان. در سیاست خارجی متوازن اولویت ارتباط با همسایگان و نگاه به آسیا با در نظر گرفتن دیپلماسی فعال اقتصادی و توجه ویژه به ایرانیان خارج از کشور مدنظر ما است. این موضوعی است که رهبر انقلاب به خوبی به آن اشاره کردند و البته سیاست خارجی دولت در توسعه همکاری‌ها با همسایگان را مورد توجه و تأکید قرار دادند. ما در این بخش کارهای زیادی را از گذشته شروع کرده‌ایم و این رویکرد را بیش از گذشته تقویت خواهیم کرد. راهبرد نگاه به کشورهای اسلامی و نگاه به کشورهای هم جهت در دستور کار دستگاه سیاست خارجی بوده است. اما با توجه به تأکید ویژه رهبر انقلاب بر ارتباط با کشورهای هم جهت و کشورهای اسلامی مراکز واندیشکده‌هایی که به آن اشاره کردم، مدیران دستگاه دیپلماسی و سفرای ما در این کشورها با جدیّت تمام این رهنمودها و خطوط ترسیم شده و ابلاغی را پیگیری خواهند کرد. ما معتقدیم به موازات کار با همه بخش‌های جهان، نگاه دارای اولویت به کشورهای اسلامی و کشورهای هم جهت، سیاست خارجی ما را با یک گستردگی بیشتری همراه می‌کند. در همین راستا تمرکز و برنامه‌ریزی دقیق‌تر برای کار با کشورهای هم جهت و اسلامی به موازات توسعه‌ی کار با همسایگان را به طور ویژه‌تر دنبال خواهیم کرد.

مسئله «کیفیت و کمیّت نیروی انسانی در وزارت امور خارجه و جذب عناصر کارآمد و قابل اعتماد یکی دیگر از موارد مورد تأکید رهبر انقلاب بود. این نیروی انسانی چه تأثیری در نقش‌آفرینی متناسب دستگاه دیپلماسی در تحولات نظم نوین جهانی خواهد داشت؟

اولاً مهم‌ترین سرمایه وزارت خارجه نیروی انسانی است. ما در حوزه نیروی انسانی در طول چهار دهه گذشته سرمایه بزرگی از همکارانی داریم که از تجربه و دانش بالایی در حوزه سیاست خارجی و مناسبات بین‌المللی برخوردارند. علی‌رغم اینکه بخشی از این همکاران امروز بازنشسته شده‌اند اما این بازنشستگی تأثیری در بهره‌گیری ما از دانش و تجربه ارزشمند آنها نداشته است.

ثانیاً ظرفیت دیگر ما نیروی انسانی موجود در وزارت امور خارجه است. نگاه ما به مسئله جذب جوانان مؤمن، متدیّن، ارزشی، متخصص و تحصیل کرده معطوف بوده است. در یک سال و نیم گذشته ما سعی کردیم ساختار وزارت خارجه را آسیب شناسی کنیم، به نحوی که بدون هیاهو و با کمترین تغییر بیشترین تحول را در وزارت خارجه شاهد باشیم. ساختاری که متناسب با تحولات کنونی جهان و شیب تند و سریع تحولات باشد. پس نیروی انسانی کارآمد به عنوان سرمایه، نیروی انسانی باتجربه قدیمی به عنوان یک داشته ارزشمند و تحول و تغییر حداقلی در ساختار با هدف تحول حداکثری، سازوکاری است که کمک می‌کند ما در جهان در حال تحول کنونی وزارت امور خارجه را با سرعت تحولات متناسب‌سازی کنیم. سرعت تصمیمات و اقدامات دستگاه دیپلماسی هرگز نباید از سرعت تحولات جهانی عقب بماند. ما باید حتماً جلوتر از تحولات و در بدترین حالت همزمان با سرعت تحولات بتوانیم اقدامات دقیقی را انجام بدهیم. رویکرد ما از ابتدای دولت در دستگاه دیپلماسی تمرکز بر مباحث آینده‌نگرانه است. با نگاه به آینده با نگاه به برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و با نگاه به اینکه بتوانیم پیش‌تر از تحولات گام برداریم و برای پیچیدگی‌های تحولات کنونی راهکار، ابتکار و تحرک لازم را داشته باشیم.

مهم‌ترین موضوعی نیز که در جلسات گردهمایی اخیر سفرا دنبال شد، بررسی راهکارهای کنشگری و نقش‌آفرینی متناسب جمهوری اسلامی ایران در تحولات نظم جهانی، تهیه و ارائه یک پیش‌نویس در این زمینه است. در این رابطه جلسات سفرای ما در بخش‌های مختلف برگزار و نظرات سفرای ما که مدیران ارشد و صاحب نظر ما هستند، برای تکمیل این رویکردها و برنامه‌ها دریافت شد تا بتوانیم وزارت خارجه‌ای مسلّط، فعال، پرتحرک و مبتکر برای تحقق این اهداف داشته باشیم.

نگاه ما به مسئله جذب جوانان مؤمن، متدیّن، ارزشی، متخصص و تحصیلکرده معطوف بوده است. در یک سال و نیم گذشته ما سعی کردیم ساختار وزارت خارجه را آسیب‌شناسی کنیم، به نحوی که بدون هیاهو و با کمترین تغییر بیشترین تحول را در وزارت خارجه شاهد باشیم. ساختاری که متناسب با تحولات کنونی جهان و شیب تند و سریع تحولات باشد.

ما در وزارت امور خارجه با تشکیل کارگروهی ویژه، بازتعریف اقدامات دستگاه دیپلماسی در گام دوم انقلاب و در فضای جدید متأثر از تحولات نظام جهانی را مورد توجه قرار داده‌ایم. این کارگروه با توجه به تحولات و براساس بیانات رهبر انقلاب برنامه‌هایی را استخراج می‌کند و بر مبنای آن ما در حوزه برنامه‌ریزی، اجرا و پیگیری برنامه‌ها عمل خواهیم کرد.

نگاهی به تحولات اخیر سیاسی در غرب آسیا و اقتدار مقاومت

کارآمدی منطق مقاومت

حضور بشار اسد در اجلاس سران اتحادیه عرب در عربستان و تثبیت حاکمیت سیاسی سوریه با ریاست جمهوری وی در منطقه و جهان عرب از اخبار قابل توجه بود. واقعیتی که بیش از پیش برتری و پویایی‌اندیشه و منطق مقاومت را در برابر نقشه‌های استکبار در منطقه غرب آسیا نشان داد. حتی رژیم صهیونیستی به عنوان جدی‌ترین دشمن مقاومت نیز به پیروزی سوریه در معادلات منطقه‌ای اذعان کرده و آمریکا به عدم حمایت از متحدینش در رابطه با این اجلاسیه، اشاره کرد.

تثبیت؛ ثمره مقاومت

سوریه به عنوان کشوری که یک دهه، قربانی هجوم و تعرض ده‌ها هزار تروریست چندملیتی قرار گرفت، در شرایط سیاسی و امنیتی بسیار دشوار با مجاهدت جوانان جان برکف جبهه مقاومت از سوریه، عراق، افغانستان، پاکستان و ایران و فرماندهی سردار مقاومت شهید حاج قاسم سلیمانی طعم پیروزی را چشید. استقامت ۱۲ ساله مردم و دولت سوریه در شرایط بحرانی با حمایت‌های کشورهای محور مقاومت از جمله جمهوری اسلامی ایران، مفهوم نتیجه بخش بودن مقاومت را در عمل نشان داد. مقاومتی که نقطه مقابل آمریکاگرایی برخی سران کشورهای منطقه بود که در لحظه بحران، فرار را بر ماندن در کشور خویش ترجیح دادند. ایستادگی و مقاومت سوریه در برابر هجوم استعمار جهانی و دفع متجاوزین امنیتی از این کشور موجب شد تا پس از یک دهه همان‌هایی که در ابتدای بحران سوریه خواهان عزل و برکناری دولت قانونی سوریه و انحلال حاکمیت آن بودند حالا روابط دیپلماتیک و سیاسی خود با سوریه را از سر بگیرند و حتی بشار اسد را به اجلاس سران اتحادیه عرب دعوت کنند و به استقبالش بروند!

دشمنِ مقاومت

در دهه گذشته موقعیتِ سوریه از نظر عوامل جغرافیایی و تأثیرگذاری بر روابط قدرت و سیاست، زمینه‌ساز شکل‌گیری نوعی رقابت بین‌المللی برای مدیریت بحران داخلی این کشور و تأثیرگذاری بر جریانات مهم منطقه شد. حوادثی که مجددا بستر مناسبی برای بازیگری نظام سلطه در منطقه فراهم آورد. «غرب در دهه‌های بیداری اسلامی و به‌ویژه سال‌های اخیر پس از شکستهای پیاپی از ایران و افغانستان تا عراق و لبنان و فلسطین و...مصر و تونس و... کوشید...پس از شکست تاکتیک اسلام‌ستیزی و خشونت علنی، به تاکتیک بدل‌سازی و تولید نمونه‌های تقلبی دست بزند، تا عملیات تروریزم ضد مردمی را به جای «شهادت‌طلبی»، «تعصب و تحجر و خشونت» را به جای «اسلامگرایی و جهاد»، «قومیت‌گرایی و قبیله‌بازی» را به جای «اسلام‌خواهی و امت‌گرایی»... قلمداد کند.» ۱۳۹۰/۱۱/۱۴ در جغرافیای منطقه به‌ویژه در سوریه و عراق «امپراطوران کفر و نفاق به رهبری آمریکا و اسرائیل... معادله جهاد و مقاومت را تبدیل به طرح تکفیر و ترور فرزندان اسلام نموده و در یک کلام، جنگ شیعه-سنی را به مثابه دل‌مشغولی ملت‌های مسلمان بر جهان اسلام تحمیل» ۱۳۹۱/۴/۲۴ کردند. سناریوی آمریکا با همکاری انگلیس، فرانسه، عربستان و قطر در حوزه مالی و تسلیحاتی، ترکیه در ایجادگذرگاه و خدمات پزشکی، رژیم صهیونیستی به عنوان هماهنگ‌کننده، «از سوی سرویس‌های جاسوسی غرب و صهیونیسم، با کمک دلارهای نفتی و سیاستمداران خودفروخته، از شرق آسیا تا شمال آفریقا و به‌ویژه در منطقه‌ی عربی، با جد و اهتمام دنبال... و پولی که می‌توانست در خدمت بهروزی خلق خدا باشد، خرج تهدید و تکفیر و ترور و بمب‌گذاری و ریختن خون مسلمانان و برافروختن آتش کینه‌های درازمدت می‌گردد.» ۱۳۹۲/۲/۹

در حقیقت بحران داعش علیه قدرت محور مقاومت اسلامی شکل گرفت و «ماجرایی که در سوریه و عراق به وجود آمد، غدّه سرطانی‌ای [بود] که دشمنان به وجود آورده بودند برای اینکه بتوانند در این منطقه حادثه‌ای را علیه جریان مقاومت ایجاد کنند.» ۱۳۹۶/۹/۱

ایران، محور مقاومت

در این میان ایران با فهم دقیق نقشه دشمن و به عنوان محور اصلی مقابله با هجوم مثلث غربی، عبری و عربی از سوریه حمایت کرد و با حضور مستشاری در این کشور مانع سقوط دولت قانونی سوریه شد. البته روشن است که محور اصلی تهاجم نظام سلطه، به زانو درآوردن مقاومت با محوریت ایران بود. «کسی که از این‌جا میرود در عراق یا در سوریه به‌عنوان دفاع از حریم اهل‌بیت در مقابل این تکفیری‌ها می‌ایستد، درواقع دارد از شهرهای خودش دفاع می‌کند.»۱۳۹۵/۴/۵ در واقع «اگر اینها مبارزه نمی‌کردند، این دشمن می‌آمد داخل کشور، ما باید این‌جا در کرمانشاه و همدان و بقیه استان‌ها با اینها می‌جنگیدیم و جلوی اینها را می‌گرفتیم.» ۱۳۹۴/۱۱/۵ از سوی دیگر بنا بر مبانی دینی و قانون اساسی کشور، «دفاع از حقوق مظلومین وظیفه همه ما است؛ بخصوص [دفاع از] ضعفا و از حقوق ملّت وظیفه ما است» ۱۳۹۶/۱۰/۱۹ و ملت سوریه در این برهه از تاریخ مظلوم واقع شده بود. بنابراین «از لحاظ عملی، جریان مقاومت را ما حقّ جوان‌ها می‌دانیم؛ جوان‌های عراق، جوان‌های سوریه، جوان‌های لبنان، جوان‌هایی در شمال آفریقا، جوان‌هایی در مناطق شبه‌قارّه و اطراف آنها...تقویت این جریان‌ها به‌معنای تقویت نظریّه مقاومت است.» ۱۳۹۷/۸/۱۲

جبهه استکبار و صهیونیسم با ایجاد گروه‌های تروریستی تکفیری و امثال آن در کشورهای منطقه‌ی غربِ آسیا به دنبال اجرای سیاست‌های تفرقه افکنانه خود در منطقه بود اما این طرح و راهبردِ کلان استکبار با شکستی تمام‌عیار روبه‌رو شد. «آمریکایی‌ها در این منطقه که خودشان می‌گویند «خاورمیانه» ما می‌گوییم «غرب آسیا»- نقشه داشتند، کارهایی می‌خواستند بکنند و نتوانستند. ما آن‌جا برنامه داشتیم، نقشه داشتیم، کارهایی را می‌خواستیم بکنیم و توانستیم... همه دنیا امروز می‌دانند که آمریکا در سوریه شکست خورد، در عراق شکست خورد.» ۱۳۹۷/۱۲/۲۲

با نابودی جریان داعش توسط مقاومت اسلامی و با فرماندهی میدانیِ «حاج قاسم سلیمانی» بخش مهم و قابل توجهی از شکستِ طرح بی‌ثبات‌سازی منطقه و ایجاد جنگ و آشوب، عملی شد که البته «این تنها ضربه به گروه ستمگر و روسیاه داعش نبود؛ ضربه سخت‌تر به سیاست خباثت‌آلودی بود که ایجاد جنگ داخلی در منطقه و نابودی مقاومت ضدّصهیونیستی و تضعیف دولت‌های مستقل را به وسیله رؤسای شقیّ این گروه گمراه هدف گرفته بود؛ ضربه بود به دولت‌های قبلی و کنونی آمریکا و رژیم‌های وابسته به آن در این منطقه که این گروه را به وجود آوردند و همه‌گونه پشتیبانی کردند تا سلطه نحس خود را در منطقه غرب آسیا